



امامی که خود را پیشوای قلوب نامید / امام کاظم(ع) و تحکیم مبانی شیعی

امام کاظم(ع) تلاش کردند شاگردانی را تربیت کنند که هم به دفاع عقلانی از دین و عقاید مذهب شیعه بپردازند و هم اینکه در ارتباط با قرآن و حدیث یک نگاه کامل و همه بعدی داشته باشند.

امام کاظم(ع) تلاش کردند شاگردانی را تربیت کنند که هم به دفاع عقلانی از دین و عقاید مذهب شیعه بپردازند و هم اینکه در ارتباط با قرآن و حدیث یک نگاه کامل و همه بعدی داشته باشند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: خصائص امام موسی ابن جعفر(ع) و شیوه مبارزاتی آن حضرت با توجه به شرایط خفقان دوران بنی عباس از جمله مباحثی است که شاید کمتر مورد توجه واقع شده است. رهبری معظم انقلاب در مورد زندگانی امام کاظم(ع) می فرماید: «ما امروز نگاه میکنیم موسی و بن جعفر، خیال میکنیم یک آقای مظلوم بی و سروصدای سربه زیری در مدینه بود و رفتند مأمورین این را کشیدند آوردند در بغداد، یا در کوفه، در فلان جا، در بصره زندانی کردند، بعد هم مسموم کردند، از دنیا رفت، همین و بس؛ قضیه این نبود. قضیه یک مبارزه و طولانی، یک مبارزه و تشکیلاتی، یک مبارزه و ای با داشتن افراد زیاد در تمام آفاق اسلامی بود. و لذا با توجه به این ذهنیت، بازخوانی صحیح از سیره و منش امام کاظم(ع) و تأمل بیشتر در مورد زندگی آن امام ضرورت بیشتری می یابد. برای این منظور به سراغ سه تن از کارشناسان مذهبی کشور رفتیم تا با آنها گفتگو کنیم. متن زیر مشروح این گفتگوست؛

در روایت داریم که هارون از امام کاظم سوال کرد ای پسر رسول خدا ما اینهمه پول خرج می کنیم و زحمت می کشیم و تبلیغات می کنیم ولی باز هم مردم شما را دوست دارند حضرت فرمود «إِنَّا إِمَامُ الْقُلُوبِ وَ أَتَتْ إِمَامُ الْجُسُومِ»؛

حجت الاسلام حائری زاده در مورد نوع مواجهه امام کاظم با مردم و امامت و زعامت آن امام بزرگوار گفت: در روایت داریم که هارون از امام کاظم سوال کرد ای پسر رسول خدا ما اینهمه پول خرج می کنیم و زحمت می کشیم و تبلیغات می کنیم ولی باز هم مردم شما را دوست دارند که فرزندان پیامبر هستید. هر چه ما تبلیغات را بیشتر می کنیم باز هم نتیجه برعکس است و مردم شما را دوست دارند و ما بنی عباس را دوست ندارند. حضرت فرمود می دانید علت چیست؟ «إِنَّا إِمَامُ الْقُلُوبِ وَ أَتَتْ إِمَامُ الْجُسُومِ»؛ فرق تو و من این است که من بر دل‌های مردم حکومت می کنم اما تو و امثال تو که به ظلم مسند حکومت را اشغال کرده اید بر جسم‌های مردم حکومت می کنید و حال آنکه ما آل الله بر قلوب مردم حکومت می کنیم. خدا ذهن‌ها را به شوی ما بر می گرداند. فرق تو و ما این است. اگر انسان این مسئله را بفهمد خیلی خوب است. امام خمینی(ره) در درس‌های اخلاق خود به نقل از برخی شاگردانشان می فرمودند که همانطور که بچه غذا می خواهد، قلب هم نیاز به غذا دارد و غذای این قلب ذکر خداست. می فرمودند به قلب خود ذکر خدا را بخورانید.

وی در مورد اهتمام امام کاظم(ع) به وحدت مذاهب اسلامی به یکی از یاران حضرت اشاره کرده و گفت: افرادی بودند که به اذن امام کاظم در دستگاه حکومت وارد می شدند. یکی از آنها علی ابن یقطین بود. او نفوذی حضرت در سیستم حکومتی هارون الرشید بود. حضرت به او فرمودند سه قول تو به من بده و من هم تضمینی به تو می دهم. سه قولی که تو باید به من بدهی این است که اولاً وقتی وارد سیستم حکومتی می شوی هر کاری که شیعیان ما دارند در قبال آنها کوتاهی نکن. دوم اینکه برای شیعیان ما عزت و احترام قائل شو و سوم اینکه من به تو قول می دهم که هرگز کسی به تو متعرض نشود، با شمشیر کشته نشوی، خدا به تو نظر و عنایت کند، زندانی نشوی و هیچ وقت تنگ دست نشوی.

وی ادامه داد: علی ابن یقطین وارد دستگاه حکومت شد. در روایت داریم که امام کاظم به او فرمودند تا اطلاع ثانوی وضوی خود را مانند اهل سنت بگیر. بعد از مدت‌ها حضرت به او فرمود مانند شیعه‌ها وضو بگیر. علی ابن یقطین از حضرت علت را جویا شد و حضرت فرمود یک عده آدم‌های مذذب و سخن‌چین تو را زیر نظر داشتند و گفته بودند تنها جایی که می توان یقین کرد علی ابن یقطین شیعه است یا اهل سنت، وضوی اوست. از نماز هم نمی توان فهمید چرا که در بین اهل سنت مالکی‌ها با دست باز نماز می خوانند. لذا این روایت لزوم توجه به مسئله تقیه و عدم دامن زدن به اختلافات میان مذاهب اسلامی را نشان می دهد و اهل بیت هم بر این موضوع تأکید داشتند.

یک عالم سنی به نام الگنجی شافعی در مطالب السؤل می گوید که هر موقع کارد به استخوان من می رسید و از همه

جا ناامید می شدم به حرم موسی ابن جعفر می رفتم و عرض حاجت می کردم. خودش می گوید؛ کراماته تحار منه العقول؛ یعنی موسی ابن جعفر آنقدر کرامت دارد که عقول آدمیان مبهوت می شود

این کارشناس دینی در مورد زندگی و سیره شخصی امام کاظم(ع) گفت: در حالات امام موسی ابن جعفر داریم که؛ الَّذِي كَانَ يُحْيِي اللَّيْلَ بِالسَّهَرِ إِلَى السَّحَرِ؛ امام کاظم آن شخصیتی است که یکی از برنامه های زندگی ایشان شب زنده داری بود. کسی که پیر موسی ابن جعفر است باید اهل سحر باشد. روایت می فرماید؛ شِيعَتُنَا يَتَأَمُّونَ أَوَّلَ اللَّيْلِ؛ شیعیان ما اول شب می خوابند. باید شب زودتر خوابید تا بتوان سحر را درک کرد. حضرت فرمود؛ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ؛ از ما نیست آن کسی که اهل نماز شب نباشد.

وی با اشاره به روایتی از امام کاظم(ع) در این خصوص گفت: امام کاظم در مورد نظم زندگی و تقسیم بندی زمان طول روز فرمودند؛ إِجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ: سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ، وَسَاعَةً لِمُرَآلِ الْمَعَاشِ، وَسَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْأَخْوَانِ وَالْيَقَاقِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ غُيُوبَكُمْ وَيَخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ، وَسَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّائِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَبِهِذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ. یعنی بکوشید که اوقات شبانه روز شما چهار قسمت باشد اول قسمتی برای مناجات با خدا، دوم قسمتی برای تهیه معاش، سوم قسمتی برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتماد که عیب های شما را به شما می فهمانند و در دل به شما اخلاص می ورزند، چهارم و قسمتی را هم در آن خلوت می کنید برای درک لذت های حلال و تفریحات سالم و به وسیله انجام این قسمت است که بر انجام وظایف آن سه قسمت دیگر توانا می شوید.

وی در پایان گفت: یک عالم سنی به نام الگنجی شافعی در مطالب السؤل می گوید که هر موقع کارد به استخوان من می رسید و از همه جا ناامید می شدم به حرم موسی ابن جعفر می رفتم و عرض حاجت می کردم. خودش می گوید؛ کراماته تحار منه العقول؛ یعنی موسی ابن جعفر آنقدر کرامت دارد که عقول آدمیان مبهوت می شود.

در روایت آمده است که با امام کاری کردند که موسی ابن جعفر مدت ها در بیابان های شهر شام و در غار با لباس مبدل و چهره بدلی زندگی می کردند که کسی امام را نشناسد

حجت الاسلام میرزامحمدی نیز در مورد شرایط حاکم بر دوران امام کاظم(ع) اظهار داشت: امام باقر(ع) و امام صادق(ع) از انقراض بنی امیه و تاسیس بنی عباس به احسن وجه استفاده کردند و توانستند هزاران شاگرد تربیت کنند. اما وقتی نوبت به موسی ابن جعفر رسید، ورق برگشت. وقتی دشمن دید از دو امام در ملاعام در مسجد و در ملاقات های عمومی و خصوصی بیش از شصت هزار حدیث نقل کرده اند. لذا گفتند اگر امام را رها کنیم ریشه این حکومت زده شده است. دائما حضرت را از مدینه به عراق و شام و بغداد تبعید می کردند. در روایت آمده است که با امام کاری کردند که موسی ابن جعفر مدت ها در بیابان های شهر شام و در غار با لباس مبدل و چهره بدلی زندگی می کردند که کسی امام را نشناسد. این روایت مورد اشاره رهبر انقلاب نیز بوده است.

وی افزود: بارها؛ يَنْتَقِلُ مِنْ سِجْنٍ إِلَى سِجْنٍ؛ از این زندان به آن زندان منتقل می کردند. از هفت تا چهارده سال در مورد زندانی شدن امام نقل شده است.

این کارشناس دینی ادامه داد: فردی یهودی را به عنوان زندان بان حضرت انتخاب کردند. سندی ابن شاهک زندان بان حضرت شد. روایت شده بچه های سندی ابن شاهک از روزنه زندان به حضرت نگاه می کردند در حالی که امام در سجده بودند و بسیار نحیف شده بودند. یک لحظه امام از روزنه در به بچه های سندی نگاه کرد از همین فرد یهودی یک نوه ای به دنیا آمد که از اعلام تشیع شد. لذا امام بخواهد دستگیری کند از یهودی هم دستگیری می کند.

وی افزود: در دروه امام کاظم(ع) از آل ابی طالب هر کسی که می توانست قیام کرد و تنها فرد مهمی که قیام نکرد امام موسی ابن جعفر بود. امام کاظم بخشی از سناریوی امامت شیعه است چراکه یک سری کارهای بر زمین مانده دارد و یکسری کار برای امام بعدی. اگر قیام می کرد و کشته می شد دستاوردی به همراه نداشت و حضرت به اندازه ای نیرو نداشت که بتواند مقابل هارون بایستد.

وی ادامه داد: راهبردی که حضرت استفاده کرد این بود که سازمان وکالتی تشکیل دادند که از شیعیان خمس می گیرند. عمده شروع مسئله خمس از زمان امام کاظم است. حضرت این وجوهات را به صرّه تبدیل می کردند. این مسئله در کتب اهل سنت هم آمده است. کیسه های طلا دوپست تا چهارصد سکه ای، که روایت شده؛ إِذَا أُعْطِيَ الْمَرْءُ فَقَدْ اسْتَغْنَى؛ به هر کسی می داد، آن طرف بی نیاز می شد. این یک استراتژی بود. هارون هم به این مسئله

اشاره کرده بود که عجیب است برای اینها خراج می آید و ما دو خلافت داریم!

این کارشناس دینی در پایان گفت: حضرت شیعیان را دسته بندی کرده بودند. حضرت این مبالغ را بخشی به فقرای می دادند و بخشی به بغداد یا مدینه سرازیر می شد. حضرت اگر کوچک ترین موضع گیری سیاسی و نظامی می کرد کشته می شد. کمک امام تنها به شیعیان نبود، ابن حجر مکی می گوید: «یدعی بباب قضا حوائج المومنین ای اهل سنه»؛ لذا سنی ها هم به حضرت باب الحوائج می گویند.

فرزاد جهان زین العابدین عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد درباره نقش امام موسی کاظم (ع) در گسترش معارف شیعی گفت: در زمان امام کاظم (ع) جریان زین العابدین های فکری مختلفی در جامعه حضور داشتند که از جمله این جریانها می توان به دو جریان، معتزله و اهل حدیث اشاره کرد.

وی ادامه داد: جریان معتزله تاکید افراطی به عقل داشتند و به نحو افراط در توجیه و تحلیل عقلی مسائل دینی اقدام می کردند. در مقابل، اهل حدیث هم با تاکید می کردند که صرفا بر احادیث داشتند، دچار اعوجاجاتی شدند و نتوانستند مسائل عمده را حل بکنند. در عین حالی که بعضا گرفتار احادیث جعلی هم شدند. لذا مسائل مختلفی در این کشاکش مطرح شد که از جمله اینها مبحث توحید و صفات الهی بود.

امام کاظم در واقع تلاش کردند شاگردانی را تربیت کنند که هم به دفاع عقلانی از دین و عقاید مذهب شیعه بپردازند و هم اینکه در ارتباط با قرآن و جایگاه قرآن و همچنین جایگاه احادیث نبوی و ائمه اطهار (ع) در کنار قرآن برای تفسیر آنچه که در قرآن است یک نگاه کامل و همه بعدی داشته باشند

وی افزود: امام کاظم در واقع تلاش کردند شاگردانی را تربیت کنند که هم به دفاع عقلانی از دین و عقاید مذهب شیعه بپردازند و هم اینکه در ارتباط با قرآن و جایگاه قرآن و همچنین جایگاه احادیث نبوی و ائمه اطهار (ع) در کنار قرآن برای تفسیر آنچه که در قرآن است یک نگاه کامل و همه بعدی داشته باشند.

این استاد دانشگاه ادامه داد: امام کاظم (ع) در زمینه احادیث تلاش کردند که دامنه احادیث را از احادیثی که از فرهنگ یهودی در بین مسلمین نفوذ کرده بود و یا به خاطر رسوخ دنیاطلبی و تفسیر انحرافی از دین که به تحکیم پایه های حکومت اموی جعل شده بود اینها را کنار بگذارند و همچنین تلاش کردند نوعی معنویت را در دوری از صحنه های واقعی سیاسی و اجتماعی معنی بکنند؛ آنها را هم کنار بگذارند و بتوانند یک نگاه کامل از اسلام و مسائل اسلامی ارائه بکنند.

جهان بین افزود: به عنوان نمونه اهل حدیث به روایتی تمسک می کردند که عنوان آن حدیث نزول خداوند به آسمان دنیا بود. این روایت از ابوهریره نقل شده بود که خدای متعال هر شب در یک سوم باقیمانده شب به آسمان دنیا فرود می آید.

وی یادآور شد: پذیرش و قبول این روایت مستلزم تشبیه است و اینکه خداوند از مکانی به مکان دیگری جابه جا می شود به عنوان نمونه احمد بن حنبل که از اهل حدیث است این مطلب را تعدیل کرد و مطرح کرد که خداوند عرشی دارد و در عرش خود نشسته و این عرش حدی ندارد. او به حد خودش دانا است و خداوند حرکت می کند و سخن می گوید و نگاه می کند و معتقد بود که آن نشیمن و گاه خدا به اندازه چهار انگشت جای خالی وجود دارد که محل نشستن رسول خداست.

جهان زین العابدین تصریح کرد: این روایات بر اساس روایات تحریف شده ای بود که به دست مردم رسیده بود. اما امام کاظم (ع) تلاش کردند که اینها را اصلاح کنند. لذا ایشان فرمودند که خدای متعال نه نزول می کند و نه احتیاج به نزول دارد. در نظر او قرب و بُعد یکی است. برای او دوری و نزدیکی معنی ندارد و به عبارتی تلاش کردند یک نگاه درست از این مسئله و مسائلی از این دست را ارائه کنند. لذا این نکته بسیار مهمی بود که در بحث تلاش های هابی که ایشان در تحکیم مبانی شیعی در بحث های کلامی و اعتقادی انجام دادند، قابل ارائه است.

این استاد دانشگاه در مورد دلایل زندانی شدن امام موسی کاظم توسط خلیفه عباسی هم گفت: در زمان امام موسی کاظم (ع) مسئله مهمی که وجود دارد سختی های خاصی است که برای شیعیان به وجود آمد. از جمله یکی از دلایل این فشار هم حرکت های اعتراضی متعددی بود که از ناحیه شیعیان و علویان به خلفای عباسی صورت

وی ادامه داد: از جمله قیام حسین بن علی که به شهید فخر معروف است در زمان حکومت هادی عباسی، جنبش یحیی، ادریس که فرزندان عبدالله بودند؛ در زمان هارون، به وقوع پیوست. به هر حال همه اینها باعث شده بود که فشار به شیعیان و علویان بیشتر شود. در این شرایط بهترین کاری که می‌شد کرد، تقیه بوده و امام(ع) در سایه این تقیه برای حفظ و تشکل شیعه تلاش کردند.

این پژوهشگر معارف دینی تصریح کرد: اما این مسئله به معنای این نیست که امام کاظم(ع) از جهت سیاسی اقدامی نکردند بلکه حضرت، هم جریان وکالت را تقویت و تشدید کردند و هم در حالت ضمنی و خفا از حرکت‌های که علیه حکومت انجام می‌شد حمایت کردند. امام کاظم تلاش می‌کردند این جریان‌ها را رهبری کنند و همه این اقدامات موجب شد که ایشان تحت نظر قرار بگیرند و به صورت چندباره و متعدد به زندان بیفتند که آخرین بار آن از سال ۱۷۹ تا ۱۸۳ هجری قمری بود که حدود ۵ سال ایشان در زندان بودند و نهایتاً هم با همین زندان به شهادت رسیدند.